

ترجمه از دائرة المعارف

ترجمه عبدالرسول خان معلم

فرید و جدی

## کتاب خانه های اسلامی

بعد از آن که فاضل محترم فرید و جدی در دائره المعارف خود کتابخانه های  
 اروپا را بیان میکنند از کتاب خانه های مسلمانان بحث نمود. میگوید :  
 هیچ دولتی از دول اسلام در قرن اول تا بیس نشده که افکار آنها بسوی جمع آوری  
 کتب مصروف نگردد. با شد. زیرا دین اسلام طوریکه مسلمانان را به نماز  
 و روزه امر میکند بسوی علم و حکمت نیز دعوت نمود. علم را بگانه وسیله برای  
 رهایی از ظلمات شرک و جهل و حصول انوار عقاید حقه و حیات با سعادت انسانی  
 میداند. چنانچه خداوند تعالی میفرماید : «هل یستوی الذین یعلمون والذین  
 لا یعلمون» ؟ « و قل ربی زدنی علماً » « ایوم فی الحکمته من یشأ و من یوت الحکمته  
 فقد وئی خیراً کثیراً » « بآگه علم را بک وسیله برای فهم دین معرفی میکنند .  
 چنانچه خداوند تعالی فرموده : « و تلک الا مثال نضر بها لناس . و ما یعقلها  
 الا العالمون » و علم را بمنزله حکمی میداند در تمیز نمودن حق و باطل از معتقدات  
 و معاملات . زیرا که خداوند در قرآن کریم برای طرفداران باطل فرموده  
 « هل عندکم من علم فتخرجوه لنا » پس ازین آیات و امثال آن ها که خیلی زیاد است  
 معلوم میشود که دین اسلام در نشر علم بین عرب یکی از عوامل بزرگی بوده  
 و هست آن ها نیز با ثرا بن عامل با جدیت و کوشش زیاد در پی تحصیل علم از منابع

آن که هدف عمومی آنها بود روان گردیدند آب و خاکها را قطع کردند. با مشکلات زیاد برخورد و بهر وسیله که آنها را بمقتصدان برمی ساخت فرو گذاشتند. نغمه نموده تثبیت نمودند و اجانب را بخاک خود جای دادند. پس در قرن اول اسلام علوم قدیم معا سرین خودها را از قبیل هندوها و یونانیها و فارسیها و یونانیها با علوم جدیدشان جمع کردند و ترجمه مؤلفات اجنبی که در دسترس آنها بود آغاز نمودند. و میان امرای سلاطین درین باب رقابت و مسابقتها بود تا درجه در ترجمه اثرات اجنبی کشیدند که عدد مؤلفات آنها از دیگر ملت های متقدم افزون تر گردید.

دائرة المعارف «پروسیه» در تحت عنوان کتابخانه های میگوید اعراب در قاهره و اسکندریه صاحب کتابخانه های بزرگی بودند و اگر چه چیزی که میگویند تصدیق کرده شود عدد مؤلفاتی که در کتابخانه قاهره وجود داشته (۷۰۰۰۰ ر ۶۰۰۰) جلد بوده است علاوه بر کتابخانه قاهره و اسکندریه در طرابلس بعد از شام و فارس نیز کتابخانه های دیگری را مالک بوده اند و قنا که اندلس را تصرف شد ۷۰ کتابخانه داشتند از آن جمله کتابخانه قرطبه بود که تعداد کتب آن ۴۰۰۰۰۰ جلد بوده.

ولیم درابر در کتاب (منار بین العلم والدين) با خود وقتیکه از مدینت عرب بحث میزاند میگوید:

اعراب در قنون ادبیه بنام چیزها تبیین و سیله زبیه و تیزی قرینه و صفائی ذهن گردد صاحب ذوق بوده اند و بالاخره بکثرت شعرای نامدار خود که در تمام ملت های دیگر بحیث مجموعی نظیر آنها سر بر نیارده افتخار داشته اند. اما نفوق آنها در علم از آنجا که اسلوب خاص یونانیها مشتق کرده زیرا که آنها فهمیدند که اسلوب عقلی نظری و سیله تقدم شده نمیتواند.

و هیچ يك ذهن برای دریافت حقیقت بدون مشاهدات ذات حوادث خارجی صورت نمیگیرد. از بن روشها را ایشان در مباحثه و تحقیق علم اسلوب عملی حسی بوده و هندسه و ریاضی را ادوات و وسائط علم و منطق میدانستند. هر گاه اشخاصی که کتب متنوعه آنهارا که در موضوع میکاتیک و اید روستاتیک (علم مساوات و موازین) و فشار آن بر جدار ظرف و فشار آن (و نظریات ضیاء و البصار و نجر بر گردیده مطالعه کنند می بینند که آنها از راه تجربه و نظر بواسطه آلات بدریافت مسائل موفق گردیده اند و همین چیز است که اعراب را با آن درجه رسانید که از جمله اولین واضعین علم کیمیا و مستکشفین آلات تقطیر و تصعید و اساله (اساله حوامد) و تصفیه شناخته شدند. که در ابیات فلکی آلات درجه دار و سطوح معلمه و اسطرلابات را استعمال کرده اند و در علوم کیمیا و به موازین و مقیاسات مقرر نموده و هنگام کار و آئینی باین نظریه خود کمال و ثوق و اطمینان را داشتند و ایضاً همین تجربه و کوشش که ایشانرا کامیاب گردانید اوزان نوعیه اجسام جدول و از یاج فلکیه ساخته معمول داشتند (آلی است که بوسیله آن حرکات کواکب فهمیده می شود) چنانچه در قرطبه، سمرقند و بغداد وجود داشت و همچنین همین اسلوب تجربی و نظری بود که آنهارا موفق ساخته باین ترقی آشکارا در هندسه و حساب و مثلثات و همین اسلوب بود که آنها علم جبر را کشف کردند و هم سوق داد آنها را باستعمال ارقام هندی.

برای جمع آوری کتب تاسیس کتابخانه هائیکه قبلاً بآن اشاره گردید باین اراده قوی و خسته ناپذیر بصورت منتظم دست و پا زدند چنانچه میگویند که مأمون صد بار شتر کتاب بدست آورده به بغداد نقل داد. و یکی از شروط معاهده صلحیکه در بین مأمون و امپراطور و شرقی میشل سوم منعقد گردیده بود این بود که میشل باید یکی از کتابخانه های قسطنطنیه را بیا مأمون بدهد در بین ذخائر گران بهای این کتابخانه یکی از کتابهای بطلمیوس بود که در موضوع ریاضیات سماویه برشته تخریر آمده بود مأمون به ترجمه این کتاب حکم داده آنرا بحسطنطنیه نام نهاد. درباره این کتاب خانه ها توجه و کوشش بسیاری کرده



می شد تا آنکه در عده کتب و اصول تحریر و حسن تجلید آن ها روز بروز فزونی و حسن انتظام مشاهده میگردید چنانچه کتاب خانه قاهره شامل یک صد هزار کتاب بوده که از بدین آنها منتهای توجه و رسیدگی در نظافت اصول تحریر حسن تجلید و انتظام آن ها بنظر میخورد از آن جمله شش هزار و پنصد جلد کتاب تنها در طب و فلسفیات وجود داشت و یکی از قوانین این کتاب خانه این بود. طلبه که در قاهره سکونت داشتند میتوانستند بطور عاریت حسب الاحتیاج خود شان کتاب برده استفاده نمایند: دو کوزه جسمه که یکی از آن از نقره و دیگر آن از برنج ساخته شده بود هم موجود بود میگویند اولی را بطمیموس ساخته بود که در ساختمان آن سه هزار کورون (سکه یونانی) مصرف شده. در زمانه های مابعد آن کتاب خانه بلکه خلفای آنلس بوجود آورده بودند شامل شش صد هزار جلد بود که تنها جدول اسمای آن ها چهل و چهار جزو را بر نموده بود. غیر ازین هفتاد کتاب خانه عمومی و بسیار کتاب خانه های خصوصی دیگر روی کار آمده بود و حکایت میکنند که یکی از دکتورهای عرب دعوت شاه بخارا را قبول نکرد بدلیل اینکه ممکن نیست کتب خود را همراه ببرد مگر به بودن چهار صد شتر.

در هر کدام ازین کتاب خانه ها محلی وجود داشت که در آن اشخاص عالم و دانشمند نشسته به نقل و ترجمه کتب مشغول بودند. در سنه ۸۰۰ به بغداد هونیان طبیب نسطوری در محل مخصوص کتاب خانه نشسته بعضی از کتب از سطو و افلاطون، هیپوکرات و گالیان و غیره را ترجمه نموده و نیز استادان هر جامعه کتابها و رساله های جدید در هر فرع از فروع علمیه که بآن مأمور می شدند تالیف نمودند. هر خلیفه مورخ مخصوصی داشت که تاریخ حیاتش را مینوشت. چنانچه اگر کسی بکتب قصص و روایات مولفه آنها مثل الفلبله و غیره نظری افکند قدرت و رسائی مخیله و تصور شعرای عرب را که در تحریر کتب افسانه و حکایه وی داشتند خوبتر میداند:

آرات علما و شعرای عرب محدود نیست بلکه در هر شبهه از فن و علم از قبیل تاریخ

سیاست ، شریعت ، فلسفه ، ترجمه احوال رجال و حیوانات مخصوصاً اسب و شتر کتابهای زیاد تحریر نموده و بدون هیچ رقابت و مانعی اثرات خود را نشر نمودند اگر مراقبت و سانسور بیکه در علوم لاهوتی بوده درین تاریخ نه بل که در زمانهای بعد شرع شده است کتب آن حاوی معلومات متنوعه است که در هر موضوع از علوم مثل جغرافیا ، احصائیات ، طب ، تاریخ ، لغت و غیره می باشد میتوان بآن ها مراجعه کرده استفاده نمود. و نیز دائرة المعارف که محمد ابو عبدالله آن را تألیف نموده بود در دست داشتند . اعراب : ساختن کاغذ سفید اعلا و در تهیه رنگ های مختلفه که بآنها مینوشتند ذوق و سلیقه خوبی داشتند .

شوق و ذوق آن ها در تزئین روی کتب بذریعه الوان مختلفه که بصورت شبکه آن را باهم دیگر استعمال میکردند روز افزون و ظرافت و حسن منظر آن تعجب آور و دل فریب بود . همچنین در تزئین و تذهیب کتب روز بروز صورت های جدیدی اختراع میکردند .

در هر گوشه از ممالک اسلامی مدارس و کلیات وجود داشت خصوصاً بلاد مغل ، تاتار ، مراکش و اندلس ازین مدارس و کلیه ها حصه وافری گرفته بودند در سمرقند که طرفی از اطراف این مملکت و سبع بود ، بدرجات از مملکت رومانیه تفوق داشت رصد خانه بود برای رصد کواکب و نیز مقابل آن در طرف دیگر رصد خانه جبراک در اندلس تشکیل نموده بود . جیبون ( وقتیکه از بندل مساعی و توجه مسلمانان در حمایه علوم بحث میراند ) میگوید :

حکام و امرای مسلمانان در اطراف بلاد در حمایت علم و علما با ملوک همسری می کردند . در اثر این ترغیب و تشویق علما ذوق علمی خود را در مسافه وسیع بین بخارا و سمرقند الی فارس و قرطبه منتشر ساختند . میگویند وزیر یکی از پادشاهان دوسدهزار طلا برای تأسیس یک کلیه علمیه در بغداد اعانه داد و پانزده هزار دینار دیگر را هم بآن سالانه وقف نمود . تعداد طلا بیکه درین جا مشغول تعلیم بودند بشش هزار نفر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

عکس مسعود ج'ع'ج والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم صاحب  
معارف خواه



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



میرسیده هر کس میتواند در آن شامل شده استفاده نماید بین دارنده و نادر فرقی نبود برای اینکه در تدریس و تعلیم خلی و ارد نشود در اعاشه و دفع اجرت تعلیم شاگردان ناتوان رسیدگی خوبی می شد و معاش مدرس ها و معلمان را بطور دلخواه میبرد داختمند و شب و روز در تنسیخ و نجمع مؤلفات جدید ادبیه برای دفع حاجت شاگردان و تسکین آرزوی توانگران که در جمع کتب از خود بروز میدادند میکوشیدند .

قاضی خدایبخش قاضی القضاة حیدرآباد در بک مقاله خود که از کتاب خانه های مسلمانان بحث میراند و بزبان انگلیزی نشر کرده است میگوید :

وجود کتاب خانه های زیاد در بک مملکت از ترقی معارف و عمرانات آن جا حکایت میکنند . از کنجکاویها و حفریاتی که در خرابه های آتور و کلدان کرده شده ثابت شد که فکر جمع آوری کتب در دنیای جدید نیست بلکه اقوام قدیم نیز بجمع آوری کتب میل داشته فراهم میکردند .

تاریخ رومانیها نشان میدهد که آن ها از شروع تاریخ شان تا سقوط روم غربی میل مفرطی به نسبت جمع آوری کتب داشته کتاب خانه های زیادی روی کار آوردند . و نیز اکثر پادشاهان آنها رغبت شدیدی راجع بجمع آوری کتب نشان دادند . خصوصاً البیوس ترا جنس که کتاب خانه های بزرگ ملکی تاسیس نمود . میگویند تنها در رومیه در قرن چهارم میلادی بدست و هشت کتاب خانه عمومی موجود بود کتابخانه ها فقط منحصر به پابخت نبوده در اطراف مملکت نیز بکثرت دیده میشد . طوری که بیشتر بآن اشاره رفت سقوط روم غربی مبدأ تنزل معارف گردید بر بری ها حدود مملکت را عبور نموده بآن ها غلبه نمودند معارف رومان کاملاً زبروز برگردید از شان و شوکتیکه داشت اثری نماند . سپس آهسته آهسته برو ر قرون چند که بروی اروپا سپری گردید تمام منزلیتیکه به نسبت معارف دارا بودند از دست دادند تا اینکه امت مسلمین در اثر



ندأ رسول عربی (ص) در میدان علم و مدنیت عرض و جو د نمود و بعد از داخل شدن به خاک روم و قطع نمودن پایه های دولت ایران به برافراشتن بیرق علم و عرفان توجه و اعتنا نمودند.

عرب ها قبل از اسلام در زمان جاهلیت نیز از معارف حصه داشتند چنانچه سوق عکاظ دلیل روشن آن است زیرا که در آنجا شعرای هر قبیله در پیش روی يك مجلس حکم به مسابقه آغاز می نمودند کسانیکه در مسابقه موفق بامتیاز میگردیدند برای اکرام آن ها قصائد شان بر روی قماش های مخصوص نحر بر شده بدیوار کعبه نصب می شد. مگر قدیمترین اشعار محفوظه ایشان را يك قرن قبل از هجرت سراغ داریم اگر چه طائفه دیگری بر خلاف آن نظر به دارند. خط و کتابت در بین عرب نزدیک به هجرت شروع گردیده راه ترقی را بروی آن ها باز نموده اشعار و اخبار محفوظ خود را نوشته باعث تربیه عقلی آن ها گردید. سپس ابوالسود الدؤلی قواعد علم خود را با اشاره امام علی (رض) وضع نمود.

معارف عرب تفاوت رسول اکرم (ص) خیلی محدود نبود مگر چندی نگذشت که گاه منته فتوحات شان وسیع گردیده با بران و روم رسیدند با مدنیت و اهالی آن سامان سر و کار پیدا کرده فواید حضارت و مدنیت و اعمال فیهما فهمیدند. ایرانیهای آنوقت که در زیر سایه ساسانیان در مدنیت و عمران بکستای وقت خود گردیده بودند حیثیت معلمهای درجه اول را در بین عرب ها حاصل کردند بعد از ایرانیها بد رجه دوم سربانی ها بودند که در تعلیم علوم و فنون و فلسفه یونانیها با آن ها خدمت نمودند. سرود، معماری، نقاشی، سیاست، فلسفه و حب تزئینات و صنایع ظریفه را از ایرانیها آموختند. اکثر علمای اسلام که در بخارا و خراسان، بلخ سکونت داشتند و از شاگردان مدارس بهر و نیشابور و سمرقند و هرات بوده تربیه شده بودند اصلاً ایرانی و تورک بودند. اما علوم یونانی را بواسیله نصرانیان نصیب و رها تحصیل نمودند. پیشقدم آن ها

در تحصیل علوم خواه یونانی و خواه ایرانی امر اور و ساری شان بود . چنانچه خلیفه  
عبد الملک میگوید :

مسلمانان برای تحصیل هر علمیکه کمر همت بستند باندا زه کافی معلومات  
حاصل کردند و قاندا آن ها درین نهضت و حمله عامی رؤسا و نزرگان ایشان بودند .  
در بین مسلمین هیچگاه تعصب و غرور که آن ها را از آموختن علوم و مدنیت  
اقوام مغلو به باز دارد پیدانشد بلکه در هر سر زمین که قدم گذاشتند از خود و بیگانه  
هر کس و ناکس کسب معلومات و معارف نموده مدارس و مکاتب تاسیس نمودند  
و اولین مدرسه علمیه در قرون وسطی مدرسه طلبطله بود که اعراب آن روی کار کردند  
مدرسه دیگر مدرسه قاهره بود که به بیت الحکمت شهرت داشت که فیلسوف مشهور  
باکون بان اشاره نموده .

و اول کسیکه از امر مسلمین بجمع آوری کتب بذل توجه فرمود خالد بن بزید اموی  
بود که ابن خلدون از آن تذکر نموده و چیزها نیکه با نسبت داده شده ولی  
شبلی میگوید ابن خلدون بخطا رفته است خالد صاحب فضل بوده زیرا که شهادت  
میدهد از ابن ندیم که بار گفته است خالد از دانشمندترین مردمان بوده در علم کیمیا  
و طب دست درازی داشته رسائلی چند طرازین باقی مانده است که بر فضیلت و معرفت آن  
شهادت میدهد و بسیار کتاب های طب و کیمیا با مر او از زبان یونانی و قبطی ترجمه  
شده است که رساله های آن نازمان ابن ندیم وجود داشته است .

و قتیکه شهرها و مملکت های زیاد طوق اطاعت خلفا را بگر دن انداخته مسخر  
گردیدند بجمع آوری کتب آغاز گردیده کتاب خانه ها تشکیل دادند چون زمان  
ابی جعفر منصور رسید بن ترجمه کتاب های ایرانی و یونانی توجه زیادی بخرج داد اثرات  
بسیار بزبان عربی بمیدان آمد که سپس هارون برای محافظت و تکثیر آن ها بیت الحکمة  
و دارالترجمه بنا کرده درین زمان علما بسیار از اطراف و اکناف عالم بسوی بلاد مسلمین

هجوم نمودند در بن کتابخانه کتب زیادی بلغات مختلفه از قبیل فارسی، یونانی، قبطی و سریانی و هندی وجود داشت. رئیس ابن نهضت و حرکت بحی بن خالد برمکی بود که اعتنای زیاد بزجه کتب اجنبی مینمود. علی الخصوص بکتب و اثرات ایرانی زیرا که خودش ایرانی بلخی بود و همچنین توجه خاص بزجه کتب هندی داشت.

بعد از وفات هارون الرشید مأمون بر تخت خلافت نشست مأمون در جمع آوری و ترجمه کتب بزبان عربی قدم های هارون الرشید را تعقیب نموده باز در آن کوشید. میگویند مأمون برای ترجمه کتب یونانی سه صد هزار دینار صرف کرد. زمانیکه در مر و بود اسلوب های ایرانی توجه آن را جلب نموده خیلی پسندید پس بر وی از ارد شیر نمود و اکثر چیز های ظریف و آثار باقیه قبل از اسلام که در سر زمین عرب وجود داشت جمع نمود از آن جمله پارچه نحر بر شده بود که بدست خود عبدالمطلب نوشته شده بود کتاب هائیکه مأمون گرد آورده بود بسیاری آن تا قرن هفتم هجری باقی مانده بود که ابن ابی اسبیعه - (صاحب کتاب طبقات الاطبا) آن ها را برای العین مشاهده کرده است همین عشق جمع کتب بود که صنعت نسخه برداری و تجلید را تولید نموده اکثر اشخاص بزای اجرای این صنعت خود را از بیه نمودند. چنانچه ابن البراب و ابن عقله و زیر مقلدان با کتب و با قوش مستعصمی و میر علی بصنعت نسخه برداری مشهور بودند طوری که دیگران در رسم و تصویر با هم سابقه میکردند عرب ها در حسن خط بیکی بگردا خلدیدان سابقه گردیده کوشش میکردند که نسخه های خوش خط بنویسند. حتی خلیفه عثمان «رض» چهار نسخه قرآن کریم بدست خود نوشته در هر جانب آفاق فرستاد حجاج بن یوسف ثقفی نیز پیر وی عثمان «رض» را کرده نسخه های قرآن کریم را که خودش نحر بر نموده بود مرکز های مملکت هدیه نمود.

سلطان ابراهیم بن محمود غزنوی که خط خوب داشت هر سال يك نسخه مکمل قرآن را نوشته بکه میفرستاد. ابن خلدون میگوید: سلطان ابوالحسن



سلطان افریقه يك نسخه قرآن بدست خود نوشته بلكه و نسخه د بگر بمدینه منوره روان کرده . خیال داشت يك نسخه د بگر نوشته به بیت المقدس بفرستد مگر قبل از کمالش فوت گردیده تا کام ما ند.

ذوق و رغبت جمع آوری کتب در بغداد به نسبت پیروی ما مون منتشر گردید . بزرگان و رئیس های قوم در بین راه از صرف پول و مال خود داری نمی نمودند الفتح بن خاقان وزیر متروکل بالله کتاب خانه بزرگی تاسیس نمود . وزیر واثق بالله در هر ماه سی هزار دینار برای ترجمه و نسخ کتب بمصرف میرساند .

کتب و اقدی ( در قرن ۴م ) شش صد صندوق را بر میگردد و برای حمل و نقل آن يك صد و بیست شتر لازم بود .

چون خلافت از بنی امیه به بنی عباس رسید عبدالرحمن اموی باندلس فرار نموده . در آن سامان دولت قرطبه را تاسیس نمود این دولت با قاهره و بغداد همسری میکرد بلکه نسبت بآن ها تفوق نشان میداد . علوم عرب در قرطبه به منتهی اوج خود واصل گردید و چراغ معارف را آنجا در اوج تابان روشن ساختند کزین روار و پائین مدبون آنها میباشند . مستنصر بالله ( الحکیم ) که سلطان قرطبه بود در بین نهضت و حرکت خدمت شایانی کرد . از ممالک شرقی کتابهای زیادی در فلسفه خواسته بترجمه آن امر نمود . مقربزی میگوید: حکم برای خریداری کتب باطراف و اکناف عالم سوداگران را میفرستاد باین وسیله کتب زیادی در قرطبه تهیه و جمع نمود که تا اینوقت نظیر آنرا کسی ندیده بود . برای خواستن کتاب اغافی شخصی را با هزار طلا بنزد مصنفش ابوالفرج اصفهانی فرستاد او نیز قبل از آن که در بغداد نشر بکند يك نسخه آن را برایش روانه نمود .

اشخا صیغه در صنعت نسخه برداری و صحافی مهارت داشتند در سری خود خواسته برای تمام کتب جمع کرده گیش جلد ساخته کتاب خانه بزرگی تاسیس نمود که نه قبل



ازان کسی نظیر آنرا دیده بود و نه بعد از ان تا کتابخانه که ناصر عباسی بن مستضی داشت . این کتاب ها در قرطبه تا هجوم بربری ها موجود بود . مگر در زمان هجوم آن ها اکثر این کتاب از دست برآمد . این خلدون معلوم نموده که تنها فهرست اسمای دیوانهای شعر که در بن کتابخانه موجود بود ( ۸۸ ) صفحه را بر کرده بود . مورخین در عده کتبی که در کتابخانه های حکم موجود بود اختلاف دارند . مگر همه آن ها در کثرت آن با هم متفق بوده و میگویند که اکثر آن کتب بقلم خودش شرح و حاشیه شده بود .

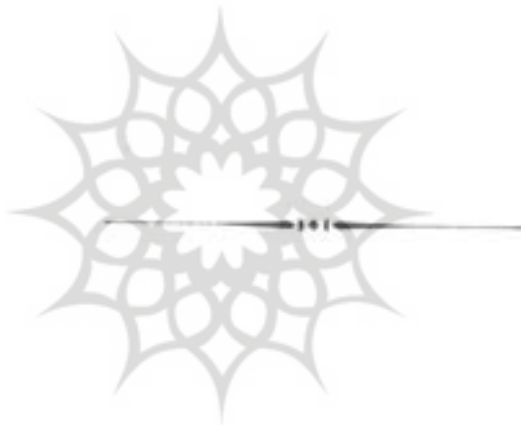
بعد از حکم پسرش هشام بجای او نشست چون خورد سال بوده حکمرانی کرده نمیتوانست زمام حکومت را وزیرش منصور این ابی عامر بدست گرفت . منصور از فلسفه نفرت داشته به نظر بد مینگریست بنابراین تمام کتب حکمت و الهیه و تمام چیزها نیکه از علوم او اهل دران وجود داشت تلف نمود . چیز نیکه باقی ماند کتب تاریخ ، فقه ، حدیث و لغت بود . حالت دولت قرطبه همچنین دوام داشت تا اینکه دولت بنی امیه از اندلس منقرض گردید .

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بعد از ان فتنه و فساد برپا گردید . کتبی که در کتابخانه های قرطبه وجود داشت در دست هر کس رسیده نیست و تا بود گردید بعضی ازان به اشبیله و قسمی ازان به غرناطه و المیره و دیگر مراکز برده شد . عدد کتاب خانه های اسپانیه در وقتیکه تمدن عرب باوج خود رسیده بود به هفتاد میرسید . اکثر کتب آن زمان برغم آنکه زمانه های هرج و مرج بران گذشت و برغم آنکه نصرانیها در وقت خارج شدن عربها ازان دیار تلف و برباد نمودند باحال وجود دارد .

مقربزی از زبان خضرمی حکایت میکند که : خضرمی در قرطبه سکونت داشته و هر روز در بازار کتاب رفته می پاید تا شاید روزی از روزها بکتابی که آن طلب می نمود بر خورد روزی کتاب مطلوب را دستیاب نموده قیمت آن را پرسید :

درین اثنا مسئله داوطلبی رخ داده هر قدر بر قیمت کتاب افزوده می شد دلال آنرا افزود میگرد. خضرمی بدلال گفت کیست که در خریدن این کتاب با من در مزایده برآمده است دلال به شخصیکه در آن جا حضور داشت اشاره نمود خضرمی آنرا يك شخص فاضل و بزرگوار یافته اجزای نموده گفت مولانا چه سبب که قیمت این کتاب را با اندازه که استحقاق ندارد بلند بردید اگر جناب شما خیال خریدن آنرا داشته باشد بدون مزایده از شماست. آن شخص گفت من عالم نیستم و نه از موضوع کتاب معلومات دارم اما در خانه خود کتبخانه تاسیس نمودم که در بین اقراشم صاحب حیثیت و نام کردم.



ضرب المثل : خرابه دوستان بزرگواران در دشمنان مکوب

» : مادر دل سپردن دایه را دامن

» : دانا داند و نرسد، نادان نداند و نپرسد